

## ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی با تأکید بر تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران حسین فروغی‌نیا<sup>۱</sup>، رشید عنایت‌تبار<sup>۲</sup>، اشرف خدادادی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

### چکیده:

حق توسعه اقتصادی بر مبنای اصل تبادل و همکاری میان کشورها بنا نهاده شده است و در قالب اسناد بین‌المللی دولت‌های جهان متعهد شده‌اند در حل مسائل مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا به طور کلی توسعه، با یکدیگر همکاری نمایند. در حالی که وضع و اعمال تحریم‌های یکجانبه که توسط برخی از کشورهای قدرتمند علیه کشورهای کمتر توسعه یافته برخلاف قواعد بین‌المللی صورت می‌گیرد با اصل تعامل و همکاری دولت‌ها در سطح بین‌المللی که از اصول و اهداف مهم سازمان ملل متحد و سایر اسناد حقوق بشری است، تضاد دارد. در چنین وضعیتی، پرسشی که در این پژوهش قابل طرح است اینکه ماهیت این نوع همکاری و مشارکت دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی دیگر کشورها خصوصاً از باب حق توسعه صلح آمیز هسته‌ای چیست؟ نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که علی‌رغم ادعای کشورهای توسعه یافته مبنی بر نبودن قواعد یا کنوانسیون الزام آور بین‌المللی در خصوص تعهد به همکاری و کمک به کشورهای در حال توسعه، با توجه به اینکه حق توسعه جزو ارزش‌های بنیادین بشری و در قالب تعهدات منشور هم به صورت کلی مقرر شده است، تا زمانی که فعالیت‌های اقتصادی کشورها از جمله در زمینه انرژی هسته‌ای تهدیدی واقعی برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای نباشد، می‌تواند به عنوان تعهدات ایجابی و مثبت از جانب دولت‌های توسعه یافته و هسته‌ای نسبت به کشورهای در حال توسعه برای همکاری و انتقال دانش و فناوری صلح آمیز هسته‌ای تلقی گردد.

**واژگان اصلی:** حق توسعه اقتصادی، تعهدات دولت‌ها، تحریم‌های هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد.

۱. استادیار گروه حقوق و عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

hforoughiniya57@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق و عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران

۳. دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، مازندران، ایران

## مقدمه

حق توسعه<sup>۱</sup> به عنوان یکی از محوری ترین موضوعات حقوق همبستگی بشر و از حقوق مسلم کشورهای در حال توسعه است که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> و اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها<sup>۳</sup> ۱۹۷۴ با اجماع پذیرفته شده تا آنجا که مبنای مطالبه این حق را می‌توان از اسناد پایه‌ای حقوق بشر برداشت نمود و سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل ملزم به فراهم آوردن لوازم تحقق این حق می‌باشند. حق توسعه اقتصادی نیز حقی بشری است که تعهداتی برای جامعه بین‌الملل ایجاد می‌نماید، به این معنا که کشورها نه تنها می‌بایست مانع تحقق آن نشوند، بلکه باید ابزار و لوازم آن را نیز فراهم آورند. بر این مبنای رابطه مستقیمی بین سطح توسعه اقتصادی و حوزه انرژی از جمله در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم نیز وجود دارد؛ به نحوی که کشورهای توسعه یافته ضمن اینکه دسترسی بالایی به انرژی دارند، از سیاست‌های پیشرفته انرژی نیز برخوردارند. برعکس، کشورهای در حال توسعه با فقر انرژی مواجه بوده و سواست‌های نامطلوب و ناکارآمد انرژی، با برخی موانع و چالش‌هایی در سطح بین‌المللی از جمله فشارها، تهدیدها و اعمال تحریم‌های متنوع اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای در حوزه انرژی مواجه هستند در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای مورد هدف این تحریم‌ها بوده است که از نظر حق توسعه اقتصادی، به دلیل ناتوانی در دسترسی به فناوری و مبادلات اقتصادی و تعامل مثبت و همکاری سازنده با کشورها و نیز افزایش فقر و بیکاری ناشی از تحریم‌ها، دچار مشکلات بسیار اساسی شده است (شاحیدر، دشتی، ۱۴۰۱: ۱۴۵) و می‌توان گفت که تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا و حتی دیگر کشورهای غربی موانع جدی در جهت تحقق حق توسعه و داشتن رشد اقتصادی برخی از کشورها از جمله ایران فراهم آورده که این امر ناقض کنوانسیون‌های جهانی است (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲).

با درک این وضعیت، پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که تعهدات مبتنی بر همکاری و

۱. مطابق ماده ۱ اعلامیه حق توسعه مصوب ۱۹۸۶ میلادی: حق توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و در نتیجه و بر اساس آن هر انسان و همه مردمان حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن همه آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر می‌توانند به طور کامل تحقق یابند شرکت کنند، به آنها کمک کنند و از آنها برخوردار شوند.

۲. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

۳. Charter of Economic Rights and Duties of States 1974.

مشارکت دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی دیگر کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه در زمینه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای، از چه ماهیتی برخوردار است؟ و اعمال تحریم‌های یکجانبه اقتصادی از این منظر چگونه با موازین حقوق بین‌الملل قابل توجیه است؟ برای پاسخ گویی به این پرسش‌ها، در این نوشتار ابتدا به تبیین مفهوم توسعه و تشریح ابعاد مختلف آن و نیز جایگاه حق توسعه اقتصادی در حقوق بین‌الملل پرداخته خواهد شد. در ادامه مباحث، رابطه انرژی صلح آمیز هسته‌ای و حق توسعه اقتصادی، ماهیت تعهدات دولت‌ها نسبت به این حق، آثار اعمال تحریم‌ها بر این حق، و نهایتاً و پیامد نقض تعهد دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی در جامعه بین‌المللی بررسی و تحلیل قرار گرفته و در پایان نیز نتیجه مباحث مطروحه ارائه خواهد شد.

#### ۱. پیشینه تحقیق

در خصوص ماهیت تعهدات دولت‌ها نسبت به حق توسعه اقتصادی دیگر کشورها به طور کلی و از منظر اعمال تحریم‌های یکجانبه به طور خاص تا حال پژوهشی انجام نشده است. پژوهش‌ها و تحقیقات صورت گرفته غالباً به بررسی ابعادی از موضوع عمدتاً از زاویه اعمال تحریم‌ها و نقض حق توسعه یا حق بر توسعه پرداخته و مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌ها را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه که می‌توان از آنها استفاده کرد عبارت است از: خواجه (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق بر توسعه» به طور کلی مقوله تحریم را در پرتو حقوق بین‌الملل اقتصادی و با مبنا قرار دادن حق بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه در قبال دولت‌های توسعه یافته مورد ارزیابی قرار داده است. مافی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، به دنبال این است که آیا توجیهی برای اعمال صلاحیت برون مرزی آمریکا در حقوق بین‌الملل عمومی می‌توان یافت و اینکه، آیا حقوق بین‌الملل محدودیت‌هایی را برای اجرای یکجانبه تلاش‌های آمریکا اعمال می‌کند یا خیر. و به این نتیجه می‌رسد که سیاست آمریکا با توجه به تحریم‌های اقتصادی مخالف با تکوین نظام تجاری در صحنه بین‌المللی می‌باشد و اجرای یکجانبه حقوق بین‌الملل به وسیله آن کشور نامشروع است. قاسمی و مویدیان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها»، به ارزیابی فشارها و رفتار آمریکا با حق تعیین سرنوشت اقتصادی پرداخته و به این نتیجه می‌

رسند که رفتار دولت آمریکا در وضع تحریم های گسترده و حداکثری علیه ایران، نقض آشکار حق تعیین سرنوشت اقتصادی، و به تبع آن سرنوشت اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی ملت ایران به عنوان یک تعهد عام الشمول است. زمانی و زنگنه شهرکی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «تحریم های بین المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین المللی»، تحریم را در چارچوب حقوق بشر به طور کلی و امکان سنجی طرح مسئولیت بین المللی دولت ها در این زمینه مورد توجه قرار داده اند. سلیمی ترکمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «حق بر توسعه به مثابه حقی بشری در گستره حقوق بین الملل انرژی»، ضمن توضیح مفهوم توسعه از دو بعد اقتصادی و انسانی، اظهار می دارد که در چارچوب حقوق انرژی، دولت های در حال توسعه، عمدتاً در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی به دلیل نیازهای اقتصادی حیاتی، ملاحظات زیست محیطی را در نظر نمی گیرند و این وضعیت به تخریب محیط زیست و بروز آلودگی هایی می انجامد که در نهایت مغایر با حقوق بشر است. شاحیدر و دشتی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «برآورد اثر تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق بشر: موردکاوی حق بر توسعه»، تحریم های یکجانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را با هدف شناخت نقش آن ها بر تضييع و نقض حق بر توسعه مورد بررسی قرار داده اند.

## ۲. مفهوم حق توسعه و تبیین ابعاد آن در حقوق بین الملل

یکی از مفاهیم چالش برانگیز حقوق بین الملل، مسئله توسعه و حقوق و تکالیف ناظر بر آن است. با اینکه این مفهوم ریشه در منشور سازمان ملل متحد دارد و در اعلامیه هایی همچون «اعلامیه ایجاد نظم نوین اقتصادی بین المللی»<sup>۱</sup> و «اعلامیه حق توسعه»<sup>۲</sup> مورد تاکید مجدد قرار گرفته است، همانند دیگر مفاهیم مهم حقوق بین الملل مانند صلح، امنیت و حقوق بشر، پرسش ها و ابهامات زیادی در خصوص مفهوم و ابعاد آن وجود دارد.

در طی دهه های گذشته، تعاریف مختلفی از سوی اقتصاددانان، حقوق دانان و نهادهایی مثل «بانک جهانی»<sup>۳</sup> و «صندوق بین المللی پول»<sup>۴</sup>، از این مفهوم مطرح شده است. اما به دلیل تفاوت کارکرد

۱. Declaration on the Establishment of a New International Economic Order (1974)

۲. Declaration on the Right to Development (1986)

۳. World Bank

۴. International Monetary Fund

و رویکرد نهادهای ارائه‌کننده این تعاریف، تعریف‌های ذکر شده تا حدودی متفاوت بوده است. بعضی از آنها توسعه را صرفاً از بعد اقتصادی و برخی دیگر برداشت موسعی از آن مطرح کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد توسعه مفهومی چند بعدی است (Economic Development, 2012: 19). و تعریف واحد و جامعی از آن وجود ندارد.

توسعه از لحاظ لغت به معنای گذر از سطح پایین به سطح بالاست که دلالت بر تغییر دارد (Economic Development, 2012: 19). لیکن به مفهوم اصطلاحی، توسعه به معنای بهبود سطح رفاه ملت و افراد جامعه است (Economic Development, 2012: 19). با این برداشت، وقتی که از جامعه توسعه یافته سخن می‌رود، جامعه‌ای به ذهن متبادر می‌شود که در آن، حداقل نیازهای عمده افراد در زمینه خوراک، پوشاک و مسکن تامین می‌شود. در این حالت، غالباً روی حداقل الزامات مفهوم توسعه تاکید می‌شود که ادامه حیات همه افراد ملت متکی به وجد آنهاست. البته در برخی تعاریف، توسعه سطح گسترده تری یافته و شامل مواردی مانند حذف یا کاهش فقر عمومی، افزایش امید به زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی سالم، افزایش سطح تحصیل همگانی و باسوادی می‌شود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۰۷). از این رو، با توجه به دامنه تعریف مطرح شده از مفهوم توسعه، احتمال دارد شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری سطح توسعه ارائه شود. بر مبنای همین شاخص‌های متفاوت، دو نوع برداشت از توسعه در ادبیات حقوق بین الملل، یعنی توسعه اقتصادی و توسعه انسانی شکل گرفته است.

بر همین مبنای، حقوق توسعه نیز در چارچوب حقوق بین الملل، بر مبنای دو مفهوم مختلف از توسعه، به دو حالت «حق توسعه» و «حق بر توسعه» مطرح شده است. در واقع، در چارچوب حقوق بین الملل از دو منظر می‌توان به مقوله توسعه نگاه کرد. حق توسعه مبتنی بر برداشت توسعه اقتصادی از مفهوم توسعه بوده و حق بر توسعه با برداشت توسعه انسانی از توسعه نزدیک است که در کنار حق بر صلح و حق بر محیط زیست، یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است و در چارچوب حقوق بین الملل بشر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هر چند تعریف حق بر توسعه در قالب ادبیات موجود کمی دشوار است (Subedi, 2006: 27) اما قدر متیقن این است که در حق بر توسعه، صاحبان حق موجودات انسانی و صاحبان تکلیف دولت‌ها هستند. لذا در پرتو برداشت انسانی از مفهوم توسعه، دولت‌ها باید بتوانند زمینه‌های توسعه افراد انسانی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و .. فراهم نمایند.

اما توسعه به مفهوم «حق توسعه» که نقطه ثقل بحث نوشتار حاضر است؛ حقی است که صاحبان حق و تکلیف در آن صرفاً دولت‌ها هستند. از این زاویه، توسعه یکی از حقوق کشورهای در حال توسعه در قبال کشورهای توسعه یافته است که بر مبنای آن، کشورهای توسعه یافته متعهد به فراهم کردن امکانات و بسترهای لازم برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه هستند (Oduwole, 2014: 3). در این گفتمان از توسعه که محور مباحث حقوق بین الملل اقتصادی است، توسعه معادل حق توسعه اقتصادی است و می‌تواند به عنوان حق این کشورها، نه بر ثروتمند شدن، بلکه حداقل به خروج از حالت فقر عمومی قلمداد شود (Ngosso, 2013: 5). پس در چارچوب حق توسعه، کشورهای در حال توسعه، «صاحب حق» و کشورهای توسعه یافته، «واجد تعهد» هستند.

به طور کلی، حق توسعه مفهوم کمابیش مبهمی دارد (هومن فلدرن، ۱۳۸۴: ۱۱). منشا چنین برداشتی از مفهوم توسعه در حقوق بین الملل، به تحولات دهه ۱۹۶۰ میلادی بر می‌گردد. مباحث مربوط به توسعه، از گفتمان استقلال طلبی کشورهای جهان سوم در دهه شصت وارد مناسبات بین المللی شده است (Udombana, 2000: 762). کشورهای در حال توسعه که در آن، ایده حق توسعه را دنبال می‌کردند، اصولاً به توسعه اقتصادی و حاکمیت بر منابع طبیعی تاکید داشتند و در این راستا، خواستار ایجاد نظم اقتصادی بین المللی جدیدی بودند که نابرابری میان دولت‌ها در دستیابی به توسعه را لحاظ نمایند (Oduwole, 2014: 3). این گونه رفتار و برخورد خاص با کشورهای در حال توسعه، بر مبنای مفهوم نابرابری جبران ساز توجیه می‌شود (هومن فلدرن، ۱۳۹۱: ۱۳). این کشورها از طریق «جنبش غیر متعهدها»،<sup>۱</sup> کشورهای توسعه یافته را وادار به مذاکره در خصوص اصلاح نظام اقتصادی جهان کردند. از سال ۱۹۶۲ این پروسه آغاز شد که سرانجام در ۱۹۶۴ به تشکیل «کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه» (انکتاد)<sup>۲</sup> انجامید. انکتاد چنین استدلال می‌کرد که توسعه کشورهای پیشرفته به قیمت عدم توسعه کشورهای جهان سوم تمام شده است؛ زیرا کشورهای توسعه یافته برای رسیدن به توسعه، از امکانات و منابع طبیعی سایر کشورها استفاده می‌کردند. لذا، آنها بایستی بخشی از درآمد خود را به کشورهای در حال توسعه اختصاص دهند تا آنها نیز عقب افتادگی خود را

۱ . Non-Aligned Movement (NAM)

۲ . United Nation Conference on Trade and Development

جبران نمایند.<sup>۱</sup> نهایتاً چنین ایده ای در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها و حق کشورها بر توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته شد.<sup>۲</sup> تجربه استعمارزدایی نیز باعث تقویت این دیدگاه شد و این تفسیر از توسعه توسط کنوانسیون بین المللی متعدد تایید شد. سپس در بسیاری از اسناد بین المللی و منطقه ای نیز، صاحبان حق توسعه، کشورهای در حال توسعه معرفی شدند.<sup>۳</sup> اگر چه تعریف دقیق حق توسعه اقتصادی در چارچوب اسناد مذکور ساده نیست اما صرف گنجاندن این حق در اسناد مذکور، جامعه بین المللی را قادر ساخت تا از طریق رفتار خاص و مرجح بر توسعه کشورهای در حال توسعه تاکید داشته باشد (Subedi, 2006: 27).

### ۳. جایگاه حق توسعه اقتصادی در حقوق بین الملل

در خصوص ماهیت و ارزش حقوقی حق توسعه به ویژه از نوع اقتصادی آن، کمی ابهام و اختلاف نظر وجود دارد، چنان که برخی معتقدند حق توسعه بخشی از مناظره بین المللی در زمینه حقوق بشر است که هنوز وارد عرصه عملی نشده است و دولت‌ها فقط تمایل به حمایت لفظی از این حق دارند (Stephan, 2004: 137). بر اساس دسته بندی رایج ناظر به انواع حقوق بشر، حق توسعه اقتصادی در زمره حقوق همبستگی و اصطلاحات نسل سوم حقوق بشر معرفی می گردد. این در حالی است که ماهیت این دسته از حقوق، بیشتر به اهداف و آرمان‌های مطلوب می ماند تا حق‌های واجد تکلیف و تعهد با ضمانت اجرای مشخص؛ چه اینکه، این حقوق مانند حق بر محیط زیست و حق تعیین سرنوشت اقتصادی، وابسته به عزم، امکانات و شرایط دولت‌ها دارد. لذا انتظار تعیین تعهدات

<sup>۱</sup>. برخی کشورها مثل امریکا، با اتخاذ مواضع منفی در قبال حق توسعه اظهار داشتند که توسعه نمی تواند جزء حقوق باشد؛ زیرا مصادیق حقوق حالت آمرانه و الزامی دارند، ولی توسعه این ویژگی را ندارد. پس نمی توان آن را حق تلقی کرد.

<sup>۲</sup>. در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، بارها صاحبان حق توسعه اقتصادی، دولت‌های در حال توسعه معرفی شده اند؛ از جمله در ماده ۱، ۲، ۱۲ و ۲۳.

<sup>۳</sup>. برای مثال، در اعلامیه دولت هند در اجلاس شبکه سوم جهانی (۲۰۱۶) در مراکش آمده است: ما مجبور به تضمین این هستیم که تلاش هایمان، حق بر توسعه کشورهای در حال توسعه و نیل به اهداف توسعه پایدار و آرمان‌های ملت مان را تضمین نماید.

منجر و تحقق آن دور از دسترس است. اما حق توسعه اقتصادی پیوند جدی تری با حقوق اقتصادی و اجتماعی دارد که در معاهدات و اسناد بین المللی مهمی بدان اذعان شده است و در مواردی آراء دیوان بین المللی دادگستری نیز بدان اذعان دارد (قاسمی، مویدیان، ۱۳۹۹: ۱۱۹). در این حالت نیز ماهیت تعهد و اعتبار حقوقی این حق، محل تامل است زیرا «سوء تفاهم رایج و شایع در این خصوص این بوده است که تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بایستی توسط دولت تامین شود و اینکه آنها بر هزینه هستند و منجر به رشد بی رویه تشکیلات دولتی می شوند.» (غدیری، ۱۳۸۹: ۴۱). افزون بر این، سازوکار دادخواهی و قضایی مانند حقوق مدنی و سیاسی برای احقاق این حق پیش بینی نشده است و اگر هم وجود داشته باشد کارایی آنها را ندارد. با این اوصاف حق توسعه اقتصادی ملت ها، واجد ارزش حقوقی مشخص در حقوق بین الملل می شود که در لابلای معاهدات و اسناد بین المللی و رویه قضایی بین المللی قابل درک و استنتاج است (قاسمی، مویدیان، ۱۳۹۹: ۱۲۰). میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضمن شناسایی حق توسعه اقتصادی در کنار حق تعیین سرنوشت اجتماعی و فرهنگی برای ملت ها، به ایجاد تکلیف برای دولت های عضو اقدام نموده و از آنها خواسته است سعی و اهتمام خود را از طریق همکاری و تعاون بین المللی برای تامین تدریجی حقوق شناخته شده اقتصادی در میثاق، به کار گیرند. میثاق مزبور، در بند ۳ خود از دولت های عضو خواسته است تحقق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را رعایت کنند. بر مبنای مفاد فوق الذکر می توان اذعان داشت که در واقع حق توسعه اقتصادی و استفاده از منابع طبیعی در راستای آن حق ملت هاست و دولت ها به نمایندگی از طرف آنها به بهره برداری از منابع طبیعی برای توسعه اقتصادی اقدام می نمایند. بدین جهت یک دولت برخوردار از حاکمیت واقعی در روابط خود با دیگر دولت ها، در زمینه اقتصادی بر سرنوشت خویش حاکم است (فلدرن، ۱۳۹۱: ۷۴). منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت ها مصوب ۱۹۷۴ در ماده ۴ خود، حق همه دولت ها را در تنظیم روابط اقتصادی بر اساس اصل آزادی ارتباطات تجاری و اقتصادی به رسمیت می شناسد و اذعان می دارد که با تحریم ها و تبعیض های قدرت ها که انحصارات را در صحنه واردات و صادرات پدید می آورند، مخالفت می ورزد. این منشور در ماده ۸ خود نیز تلاش برای بنیان نهادن روابط اقتصادی بین المللی متوازن و منصفانه و معقول و منطقی را مقرر می دارد. اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ نیز ضمن شناسایی اصل حقوق متساوی و حق توسعه اقتصادی ملت ها در مجموع، به طور خاص به وظیفه دولت ها به «همکاری و معاونت در رشد اقتصادی» در سرتاسر جهان به خصوص رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تصریح کرده است (تی، ۱۳۶۶: ۱۲۷). مجمع



عمومی سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه مورخ ۱۹۹۱ با عنوان «اقدامات اقتصادی به عنوان ابزار اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه» به شدت از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود به عنوان ابزار اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های تجاری، سیاسی، اجتماعی و غیره سایر کشورها استفاده نکنند. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) نیز در قطعنامه ۱۵۲ جولای ۱۹۸۳ خود، اقدامات اقتصادی قهرآمیز خارج از چارچوب سازمان ملل متحد به ویژه زمانی که علیه کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود را محکوم می‌نماید (ظریف، میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۶). در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ نیز حق توسعه اقتصادی به استناد حق تعیین سرنوشت اقتصادی «حق جهانی و جزء جدایی‌ناپذیر حقوق اساسی بشر» به شمار آمده است. لذا حق توسعه اقتصادی امروزه به عنوان یک حق بشری مورد توجه جامعه جهانی بوده و اهمیت آن در برنامه‌ها و دستور کارهای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز مشهود است. افزون بر این، دولت‌ها با امضاء اعلامیه حق توسعه، ضمن به رسمیت شناختن این حق، خود را مکلف نموده‌اند تا تلاش‌های لازم را برای تحقق اهداف مندرج در این سند لحاظ نمایند (حقیقی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۱۰). حق مزبور گردآورنده حقوق مدنی و سیاسی از یک سو با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر بوده و تحقق کامل آن تأثیر عمیقی بر تحقق دیگر مصادیق حقوق بشر بر جای می‌گذارد (حبیبی، اقبالی، ۱۳۹۹: ۶۳۷). بنابراین، حقوق توسعه اقتصادی، هم در اسناد و مدارک حقوقی اعلامی و هم در موافقتنامه‌هایی که مفاد آنها تعهدات و وظایف الزام‌آوری بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهند، به طور ضمنی یا صریح مورد تأکید قرار گرفته است و سیر تکوین این مفهوم گواه بر این ادعاست که توسعه اقتصادی و توسعه شاخص‌های رفاهی در هسته تعریف این حق قرار می‌گیرد و از سوی دیگر یکی از مولفه‌های حقوق بشری تحت عنوان نسل سوم حقوق بشر با عنوان حقوق همبستگی ارتباط می‌نماید (خواجی، ۱۳۹۱: ۱۶).

#### ۴. بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای در ارتباط با حق توسعه اقتصادی

روندهای پیشرفت حقوق بین‌الملل توسعه تقریباً هم‌زمان با روندهای تکاملی حقوق بین‌الملل هسته‌ای رخ داده است. هر دو شاخه پس از جنگ جهانی دوم مسیرهای تکاملی خود را طی کرده‌اند و با توجه به اینکه دستیابی به الگوهای موثر و مطلوب تولید و مصرف انرژی، یکی از شاخه‌های توسعه به شمار می‌آید، میزان دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای توانسته است در تفکیک کشورهای

در حال توسعه و توسعه یافته موثر باشد (منتظری مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۸). بر این مبنای، مسئله انرژی نیز از جنبه های جدایی ناپذیر توسعه به شمار می آید؛ به گونه ای که می توان گفت، کشوری که بتواند در تولید انرژی موفق باشد، در عرصه توسعه نیز موفق خواهد بود (Maiga, 2007: 267). انرژی هسته ای یکی از انرژی های موجود در جهان مانند انرژی بادی، آبی، گاز و نفت و .. است، اما در قیاس با آنها از انرژی های پایان ناپذیر محسوب می شود. استفاده صلح آمیز با اهداف اقتصادی از انرژی هسته ای و کاربرد گسترده آن در حوزه های متنوع مانند تولید برق از طریق نیروگاه اتمی، کاربرد رادیو ایزوتوپ ها در صنعت پزشکی، کاربرد پرتوها در صنایع فلزی، پرتودهی فرآورده های کشاورزی و انبار کردن و نگهداری آنها، استفاده از پرتوها در معدن نفت و زغال سنگ، نابودسازی باکتری های فاسدکننده فرآورده های خوراکی، پرتونگاری در جوشکاری و نشت یابی لوله ها و مخازن، کاربرد رادیو ایزوتوپ ها در پزشکی هسته ای (رادیواکتیو) و مبارزه با سرطان و بیماری های غدد تیروئید بسیار حائز اهمیت است. بنابراین کاربرد دانش هسته ای می تواند نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها به شمار آید (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۸). در این میان، نکته حائز اهمیت افزایش وابستگی به کاربردهای بسیار گوناگون تکنولوژی هسته ای است به نحوی که به جرات می توان گفت در هزاره سوم میلادی تداوم تمدن صنعتی بی بهره گیری از علوم و فنون هسته ای تصور ناشدنی است (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۳). افزون بر مزایای متنوع اقتصادی، علمی، زیست محیطی، پزشکی و تامین انرژی و سایر مواردی که استفاده از انرژی هسته ای به همراه دارد، در حال حاضر هم شرایط نظام بین الملل به گونه ای است که برای حفظ و ارتقاء موقعیت خود استفاده از علوم استراتژیکی مانند فناوری هسته ای، اجتناب ناپذیر است. اساسنامه سازمان انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح هسته ای هر کدام با تصریح به سهم انرژی هسته ای در صلح، سلامت و سعادت بشریت، به نقش آفرینی جدی انرژی هسته ای در آینده جوامع بشری اذعان نموده و انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز را حق مسلم همه دولت های عضو دانسته اند. مستند این حق و حق توسعه اقتصادی و با مد نظر قرار دادن گستردگی کاربرد تکنولوژی هسته ای در زمینه های متنوع اقتصادی و استفاده بالای دستاوردهای علوم و فنون هسته ای، جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه اقتصادی و بهره مندی از چنین مزایای فراوانی و همچنین ارتقاء جایگاه کشور در عرصه های جهانی مجدانانه در حال تلاش و پیگیری است (قاسمی، مویدیان، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

## ۵. ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی

امروزه حق توسعه اقتصادی به یک موضوع پیچیده بین‌المللی تبدیل شده و این پیچیدگی تا حدودی ناشی از نقض مساله «ضرورت همبستگی بین‌المللی» به عنوان مبنای تعهد دولت‌ها بر تلاش در مسیر توسعه اقتصاد جهانی است. طبق مقررات حقوق بین‌الملل همه دولت‌ها وظیفه دارند که در روابط بین‌المللی خود با دیگر کشورها حق توسعه اقتصادی دیگر دولت‌ها را به طور کلی محترم شمرده و تحقق آن را در قالب مقررات منشور سازمان ملل متحد تسهیل و احترام آن را رعایت نمایند. در همین راستا در مقدمه منشور سازمان ملل متحد می‌توان به ریشه‌های حق توسعه دست یافت که به موضوع «ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر» تصریح می‌کند (شایگان و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۲). آن چنان که در اعلامیه و برنامه عمل وین ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳م نیز توصیف گردیده، حق توسعه به صورت «حقی جهانی و جدایی ناپذیر و جز جدانشدنی حقوق اساسی بشر» ذکر شده است (ظریف، میزایی، ۱۳۷۶: ۹۸). لازم به ذکر است که حق توسعه اقتصادی به صورت ضمنی موضوع میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل نسل دوم حقوق بشر است، به عنوان یکی از مصادیق حق تعیین سرنوشت اقتصادی از این قاعده مستثنی نیست و مشمول تکلیف و تعهد مذکور است. اظهار متمایز این میثاق مبتنی بر اینکه دولت‌ها بایستی برای «تحقق روزافزون» حقوق مندرج در آن بر مبنای منابع در دسترس «گام‌هایی بردارند»، مانع از شناسایی تکلیف برای همه دولت‌ها در راستای رعایت حق توسعه اقتصادی ملت‌هایشان در برابر یکدیگر و در روابط با یکدیگر نیست. لکن سوالی که در اینجا مطرح است اینکه ماهیت این تکلیف و تعهد چیست؟ با توجه به اینکه حق توسعه اقتصادی از مصادیق اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها محسوب می‌شود که جزو تعهدات عام الشمول ناشی از اصول مربوط به حقوق بنیادین نوع انسان هستند و رعایت آن صرفاً منوط به رضایت قراردادی دولت‌ها نیست، در نتیجه با توجه به اهمیت و ماهیت این دسته از تعهدات، همه دولت‌ها مکلف هستند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض آنها را به رسمیت نشناخته و برای حفظ وضعیت به وجود آمده کمک و مساعدتی ننمایند. تا جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ خود در قضیه دیوار حائل، ضمن اشاره به عرفی بودن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، ماهیت تعهد دولت‌ها در برابر این اصل را، عام الشمول معرفی نمود. این تعهدات همانگونه که قاضی کرافورد اظهار داشته است: تعهداتی هستند که حوزه جهانی داشته و نمی‌توان آنها را به سطح روابط دوجانبه میان دولت‌ها کاهش داد. این تعهدات به جامعه بین‌المللی در کل تعلق دارند (Crawford, 2000: 4). کارل

زمانک نیز معتقد است که هدف قواعد با ویژگی عام الشمول تامین منافع و حقوق یک دولت در برابر دولت دیگر نیست، بلکه این قواعد نشان دهنده منافع جامعه بین المللی با ارزش های اساسی است (Zemanek, 2000: 42). دیوان بین المللی دادگستری نیز در قضیه بارسلونا تراکشن همین ویژگی های تعهدات عام الشمول را در چارچوب دو ویژگی جهانی بودن و همبستگی بیان کرده است. پس حق توسعه اقتصادی به عنوان جلوه ای از حق تعیین سرنوشت یکی از مهم ترین ابعاد آن حاکمیت و استقلال کشورهاست و ترتیبات آن از صلاحیت و اختیارات ذاتی دولت ها تلقی می شود از این رو نادیده گرفتن آن از طریق تحریم و فشارهای اقتصادی ناشی از فعالیت های هسته ای، نوعی انکار حاکمیت و مداخله در امور داخلی کشورها، نقض بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و اصل برابری حاکمیت مندرج در اهداف منشور است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

در برخی از اسناد بین المللی به ویژه قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم بحث منع مداخله از طریق اقدامات اقتصادی مانند انسداد دارائی ها و یا تحریم معاملات بازرگانی در قطعنامه (G.A/Res/3281) مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ با عنوان «منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها» به طور خاص مورد تاکید قرار گرفته است. و در عین حال در منشور سازمان کشورهای آمریکایی (مواد ۱۶، ۱۸ و ۱۹)، منشور سازمان وحدت آفریقا (ماده ۳)، پیمان اتحادیه عرب، و برخی از کنفرانس های مهم بین المللی و منطقه ای مطرح شده است. لذا تحریم های یکجانبه آمریکا علیه فعالیت های هسته ای ایران، افزون بر اینکه از لحاظ اصول حقوق بین الملل مندرج در قطعنامه ها و نیز رویه دیوان بین المللی دادگستری، نقض اصل عدم مداخله است؛ نقض تعهدات دوجانبه با دولت ایران نیز تلقی می شود.<sup>۲</sup> دکتین بین المللی و حقوق بین الملل عرفی در قالب قطعنامه های مجمع عمومی به عبارت مزبور جنبه تمثیلی می دهد و آن را به مداخله اقتصادی نیز قابل تسری می شمارد؛ زیرا با گسترش روابط اقتصادی بین المللی در قرن بیستم و پیچیدگی پیشرفت های تکنولوژیک و صنعتی دیگر مداخله نمی تواند در مصادیق کلاسیک آن «سیاسی و نظامی» محصور بماند، بلکه مظهر عادی و غیر قابل تردید مداخله، ایجاد محظورات و محدودیت های مالی و اقتصادی است (منصوریان، ۱۳۹۲: ۸۵۹). بنابراین تحریم های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران، نه تنها نقض اصل عدم مداخله، نقض حق توسعه

<sup>۱</sup> . Barcelona Traction Case, Dissenting Opinion of Riphagen, ICJ Reports-1970 para 8.

<sup>۲</sup> . ایالات متحده آمریکا در بیانیه های الجزایر متعهد شده در امور داخلی ایران مداخله ننماید. (به موجب بند ۱

اقتصادی دولت و ملت ایران بلکه «بدون اغراق می توان گفت تحریم های اقتصادی علیه ایران در واقع جایگزین توسل به زور در مقیاس وسیع شده است» (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۸۴۰). حقوق بین الملل نیز با فشار اقتصادی نامتناسب و بی حساب به ویژه بر شهروندان بی گناه کشور هدف و اتباع کشورهای ثالث مخالف است (Gutmann et al, 2018: 5-7).

## ۶. اعمال تحریم هسته‌ای و نقض حق توسعه اقتصادی

امروزه با گسترش حقوق بین الملل، کشورها ملزم به رعایت اصول و هنجارهای حقوق بین الملل در تنظیم روابط خویش با یکدیگر هستند. تحریم های اقتصادی به مثابه اهرم های فشار بر دولت ها، به تحو مستقیم و غیر مستقیم تاثیرات سوء بسیاری بر شهروندان دولت های مورد تحریم و نیز حقوق سایر اشخاص غیر مقیم در آن دولت ها بر جای می گذارند و در حوزه حقوق بین المللی نیز، به ویژه تحریم های یکجانبه، ثانویه و تحریم های شورای امنیت، ابعاد مختلف حقوق بشر را به سان اصول اولیه این شاخه حقوقی تحت الشعاع خویش قرار داده است (زمانی، غریب آبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). تحریم های اقتصادی به واسطه فعالیت های هسته ای یکی از مقولاتی است که اگرچه غالباً ابزاری با ماهیت سیاسی در روابط بین الملل شناخته می شود، ولی در حال حاضر تحلیل حقوقی آن و تبیین نسبت آن با حقوق بین الملل از مسائل مطرح جامعه بین المللی است. مسئله این است که اساساً این تحریم ها بنا به دلایل و توجیهاتی اعمال شده و در برخی مواقع با مخالفت هایی نیز همراه شده است و قانونی بودن اعمال این تحریم ها برخلاف بسیاری از تحریم های جمعی که توسط شورای امنیت سازمان ملل اعمال می شوند، زیر سوال رفته است (نورانی، ۱۴۰۰: ۵۳). البته در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت این گونه تحریم ها در حقوق بین الملل صراحتاً منع قانونی وجود ندارد و تنها در قالب اقدام متقابل و با رعایت شرایط و حدود مواد (۴۹) تا (۵۲) طرح مسئولیت بین المللی دولت ها مصوب سال ۲۰۰۱ میلادی قابل ملاحظه است که طی آن تحریم ها نمی بایست متضمن زور یا تهدید به زور، نقض قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد آمره و ... باشند (عابدینی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). هر چند به این طرح نیز انتقادات بسیاری وارد است، اما این نوع از مسئولیت، تحت قاعده عام حقوق بین الملل عرفی قرار می گیرد و افق جدیدی در مسئول دانستن اعضای سازمان های بین المللی در حقوق بین الملل محسوب می گردد و مورد قبول رویه قضایی بین المللی نیز واقع گردیده است (موسوی، خداپرست، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۵۹). در عین حال، سه نظریه مشروعیت مطلق، مشروعیت نسبی و عدم مشروعیت تحریم های اقتصادی از

منظر حقوق بین الملل مطرح می گردد که هر یک با تحلیل حقوق بین الملل عام سعی در ارائه نظر خویش می باشد. هر چند که گرایش به محدود نمودن تحریم اقتصادی بر مبنای مشروعیت نسبی آن به ویژه تحریم های اقتصادی اعمالی شورای امنیت در حال تکوین می باشد؛ با این وجود با کنکاش در حقوق بین الملل اقتصادی و حق توسعه عدم مشروعیت تحریم های اقتصادی موجه تر می نماید (خواجهی، ۱۳۹۱: ۱). تا قبل از سال ۲۰۰۵ این کشور حدود سه قانون و هشت فرمان اجرایی مطرح کرده است که این تحریم ها بیشتر بر ممنوعیت تجارت و توقیف اموال ایرانیان و ممنوعیت کمک های تسلیحاتی به ایران تاکید داشته اند. از سال ۲۰۰۵ تاکنون حدود هشت قانون تحریمی و یازده فرمان اجرایی از سوی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده که بیشترین محدودیت ها بر بخش انرژی و بخش مالی بوده است (یاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۰). این کشور با به کارگیری ابزار تحریم حداکثری موجبات کاهش بسیار جدی تراز تجاری و مالی ایران را فراهم نموده است و باید در نظر داشت که تفسیر موسع و دلخواهانه دولت ها از صلاحیت فراسرزمینی به بهانه موثرسازی تحریم های یکجانبه ناقض حق حاکمیت دولت های دیگر و در واقع نوعی تحمیل اراده بر دیگران به پستوانه قدرت اقتصادی است که با حقوق بین الملل خصوصاً اصل برابری حاکمیت ها تعارض دارد (Terry, 2020). در حالی که ایران به حق معتقد است به موجب مزایای ناشی از عضویت در پیمان منع گسترش سلاح هسته ای ۱۹۶۸ (ماده ۴)، حق داشتن برنامه صلح آمیز هسته ای از جمله غنی سازی اورانیوم برای سوخت نیروگاه های هسته ای و نیز برخورداری از جنبه های پیشرفته این صنعت را دارد که مستند به حق توسعه اقتصادی دولت هاست. در این ماده (ماده ۴)، نوع فعالیت های صلح آمیز به گونه ای روشن تر بیان شده است. بر اساس این ماده، لازم است که تبادل آزادانه و بین المللی تجهیزات، مواد، اطلاعات، و دانش علمی و فنی در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای تسهیل شود. بر این اساس، اولاً کشورهای هسته ای عضو معاهده یاد شده مکلفند این مبادلات را تسهیل کنند؛ ثانیاً اگر اجبار آنها به انجام معاهدات دو یا چند جانبه با کشورهای در حال توسعه عضو این معاهده امکان پذیر نیست، حداقل اثر این ماده به عنوان تعهدی حقوقی و برابر با سایر تعهدات و مفاد معاهده مزبور این است که کشورها مکلفند از ایجاد مانع بر سر راه تبادل و انتقال فناوری خودداری نمایند. در واقع از این منظر، تعهدات دولت های هسته ای در راستای توسعه هسته ای، به تفکیک به تعهدات سلبی و ایجابی تقسیم می شود. تعهدات سلبی به خودداری از ایجاد مانع در فرآیند توسعه هسته ای سایر کشورهای در حال توسعه به عنوان یک تعهد حقوقی مطرح در ماده ۴ معاهده منع گسترش اشاره دارد که هم در سطح ملی

و هم در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود (منتظری مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۴). تعهدات ایجابی به اقدامات دولت‌های هسته‌ای در راستای تسهیل و زمینه‌سازی برای توسعه و انتقال فناوری اشاره دارد که این الزامات و تعهدات از ماده ۴ معاهده منع گسترش استنباط می‌شود. بند ۲ ماده ۴ معاهده یاد شده تصریح کرده است که تمام دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که مبادله هر چه گسترده‌تر تجهیزات، مواد، اطلاعات علمی، و فناوری را به منظور استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند. مفهوم صریح این بند این است که نه تنها این دولت‌ها نمی‌توانند این مبادلات را محدود کنند، بلکه بایستی در راستای گسترش و تسهیل این انتقال و مبادلات اقدام کنند. این نکته را باید در نظر داشت که اگرچه این انتقال می‌تواند در چارچوب توافق دو یا چند جانبه این کشورها با طرف‌های مقابل انجام شود، اما در این مورد هیچ قاعده خاصی حاکم نیست؛ هر چند این تعهد، در نظام منع گسترش، جلوه یک تعهد الزام‌آور را به خود گرفته است (Pelzer, 2008: 292). لذا با توجه به حجم گسترده‌ای از تحریم‌های ناعادلانه و غیر منصفانه و آثار و تبعات آنها، سخن از نقض تعیین‌آزادانه حق توسعه اقتصادی دولت ایران سخن‌گرافی نیست. می‌توان گفت که در حال حاضر با توجه به اقدامات کشورهای عامل تحریم، ملت ایران از ابزارهای معیشتی خود محروم شده است. ملتی که برخوردار از منابع و ثروت ملی باشد ولی به واسطه مداخله قدرت مبتنی بر زور قادر به استفاده از آن نباشد به مثابه ملت تحت سلطه‌ای است که حق استفاده و تصمیم‌سازی برای منابع و ثروت‌های ملی‌اش را ندارد و حق توسعه و رفاه اقتصادی و به تبع آن توسعه اجتماعی و فرهنگی از وی گرفته شده است (قاسمی، مویدیان، ۱۳۹۹: ۱۴۳). قطعنامه ۳ اکتبر ۲۰۱۴ شورای حقوق بشر نیز تأکید نموده که «اقدامات و قوانین یکجانبه با حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منشور سازمان ملل و اصول حاکم بر روابط مسالمت‌آمیز در بین دولت‌ها در تضاد است» (Human Rights Council, 2014: 1-3). شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۷ نیز تأیید کرد که «اقدامات قهری یکجانبه از موانع اصلی اجرای اعلامیه حق توسعه است»<sup>۱</sup> گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر نیز در خصوص آثار سوء تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران ابراز نگرانی شدید کرد و گفت: تحریم‌های اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای با نیت سیاسی، حقوق بشر و قواعد بین‌المللی را نقض می‌نماید و تغییر دادن رویه و رژیم سیاسی دولت‌های دیگر از طریق تحریم‌های گسترده که حقوق بنیادین بشر را نادیده می‌گیرد و ممکن است به قیمت

<sup>۱</sup>. RES/34/13, Human Rights and Unilateral Coercive Measure, 2017

قحطی زندگی یک ملت باشد، هرگز رویه پذیرفته شده بین المللی نبوده است.<sup>۱</sup> اجلاس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد)<sup>۲</sup> نیز ضمن محکوم کردن اعمال اقدامات اقتصادی قهرآمیز، به ویژه علیه کشورهای در حال توسعه، اعلام می نماید: «همراهی کشورها، ارگان های بین المللی و شرکت های سرمایه گذار با تحریم های سخت گیرانه ایالات متحده علیه ایران منجر به ایجاد خطر بالای سرمایه گذاری در بازار ایران شده و اوضاع را بیش از پیش بغرنج نموده است (See: perben and work group, 2018: 13). قطعنامه ای تحت عنوان اقدامات اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه<sup>۳</sup> از کشورهای صنعتی می خواهد که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست های اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها استفاده نکنند (سادات میدانی، خلیلی طریقه، ۱۳۹۷: ۴۲). با این وجود، برخی از نویسندگان غربی نه تنها تحریم ها را در معنای عام آن منفی نمی دانند، بلکه به صورت کلی تحریم ها را ابزاری مثبت در جهت تحت فشار قرار دادن حکومت های سرکوبگر و ناقض حقوق بشر جهت انطباق با استانداردهای جهانی و منطبق با اصل حاکمیت کشورها می دانند (Fretland, 2017: 137). در مجموع اقدامات یکجانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقص اصل همزیستی مسالمت آمیز در میان دولت ها است که مستلزم احترام به اصول اساسی حقوق بین الملل یعنی تساوی حقوقی دولت ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت سرزمینی دولت ها در میان اعضای جامعه بین المللی است. این نوع اقدامات به علت عدم برخورداری از مشروعیت، فاقد وجاهت بین المللی می باشند (مافی، ۱۳۸۵: ۷۹).

#### ۷. آثار حقوقی نقض تعهدات دولت ها در قبال حق توسعه اقتصادی

همانطوری که قبلاً در این نوشتار مطرح شد، حق توسعه یکی از ابعاد اصل حق تعیین سرنوشت با ماهیت اقتصادی است که جزو تعهدات عام الشمول دولت ها در جامعه بین المللی در قبال دولت های

<sup>۱</sup> . US Sanction Violate Human Rights and International Code of Conduct, UN Expert says (6 May 2019)

Available in: <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=245&LangID=E>

<sup>۲</sup> . UNCTAD MENA National Awareness Raising Seminar on Consumer Protection Law 27 July 2017, Amman, Jordan.

<sup>۳</sup> . Unilateral Economic Measures as a Means of Political and Economic Coercion against Developing Countries, 23 December 2003.



دیگر محسوب می‌شود و در بسیاری از اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی بدان استناد شده است. بر اساس اسناد بین‌المللی، حق توسعه، حتی جهان شمول، غیر قابل انتقال و بخش لاینفک از حقوق اساسی انسان‌ها از جمله حق حیات است و جامعه بین‌المللی و دولت‌ها باید در راه برخورداری از حق توسعه از مانع تراشی پرهیز نموده و همکاری موثر برای تحقق حق توسعه و رفع موانع آن را مبذول دارند (زمانی، زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۴۰). اما وضع تحریم‌های اقتصادی در جهت عکس چنین وظیفه‌ای بوده (راعی، ۱۳۸۰: ۲۷) و با تضعیف نظام اقتصادی کشورها، توسعه آنها را در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، متوقف و در برخی موارد نوعی عقب‌گرد ایجاد می‌کند. با توجه به آنکه اثرگذاری تحریم‌ها ارتباط مستقیمی با مساله «نسبی بودن قدرت میان کشورهای درگیر در تحریم» دارد، از این رو قواعد و مقررات تحریمی به طور کلی علیه کشور ضعیف اعمال می‌شود، نه کشوری که از قدرت بیشتری برخوردار است. در واقع از آنجا که تحریم‌های اقتصادی مانع از دستیابی به دانش، فناوری، دسترسی به تجارت آزاد و سیستم‌های مبادلات بانکی ضروری برای توسعه می‌شوند، مانعی برای تحقق توسعه قرار خواهند گرفت (زمانی، غریب‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). کشوری که در شرایط تحریم قرار می‌گیرد، نمی‌تواند سهم مناسبی از بازارهای بین‌المللی را به خود اختصاص دهد و با کاهش شدید عرضه منابع و عوامل تولید در اقتصاد مواجه شده و کاهش سهم اقتصاد از بازارهای جهانی منتهی به کاهش رشد اقتصادی کشور مورد هدف تحریم‌ها خواهد شد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب ایجاد مانع در برابر حق توسعه باعث خواهد شد تحقق و اجرای دیگر مصادیق حقوق بشر نیز با دشواری مواجه گردد. باید گفت، وضعیت حقوق بشر می‌تواند در یک کشور بر میزان فقر تاثیر بگذارد. این امر می‌تواند از طریق دسترسی نابرابر به منابع، تحریم‌های تجاری، خشونت سیاسی و سرکوب اتفاق بیفتد. لذا نقض حقوق بشر می‌تواند شرایط فقر و شرایط زندگی اقشار فقیر جامعه را تشدید کند که به نوبه خود رشد و توسعه را محدود می‌کند (Apergis & Coorayb, 2019: 2) لذا تحریم‌های هدفمند یکجانبه خطراتی را به همراه دارد و ممکن است با مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی<sup>۲</sup> سازگار نباشد. همچنین بنا بر ماده ۴۲ و ۴۸ آن، «هرگونه تحریم یکجانبه (هدفمند) فقط می‌تواند بازدارنده باشد، نه اقدام متقابل و حقوق قانونی کشورهای غیر آسیب‌دیده نیز باید روشن شود (Van Aaken, 2019: 131). اما از آنجا که این تحریم‌ها معاهده محور نیستند، هیچ معیار مشخصی

1. International Sanction Violating Right to Development. August 13, 2012. Available at: www.fa.odvv.org. Accessed January 20, 2017.

2. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA)

برای استفاده از آنها وجود ندارد که باعث ایجاد عدم قطعیت قانونی و احتمال سوء استفاده می شود. با تامل در کشورهایی که مورد تحریم نسبتاً جامع قرار گرفته اند، در می یابیم که در کنار سایر حقوق نقض شده، حق توسعه اقتصادی به واقع از آسیب پذیرترین معیارهای حقوق بشری در تحریم هاست. ضمناً تحریم ها در کنار دیگر مشکلات ساختاری سبب گردیده تا بازرگانی کشورهای مورد تحریم از جمله ایران با جهان اندک و از تراز منفی به خصوص در عرصه کالاهای صنعتی و مبتنی بر دانش فنی برخوردار باشد. به طوری که سهم ایران از صادرات جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی فقط ۵۷ درصد بوده و در رتبه ۱۲۴ از نظر ایجاد محدودیت برای ورود و خروج سرمایه های بین المللی ایران قرار گرفته است (رجبی، ۱۴۰۱: ۱۵۱). بیشترین آثار مخرب اعمال تحریم ها بر اقتصاد ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ رخ داد. یکی از آثار آن افت تولید ناخالص داخلی بود، اقتصاد ایران از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ حدود ۴/۹۹ درصد منقبض (کوچک) شده بود. ضمناً بر اساس اظهارات صندوق بین المللی پول پیش بینی شده بود که در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۲/۴ درصد از جمعیت ایران بیکار شوند (مزروعی، ۱۴۰۰). لذا تحریم های ایالات متحده بر شاخص های اقتصاد پر رونق و توسعه انسانی تاثیر منفی گذاشته است. بدیهی است که با اعمال تحریم های ناشی از فعالیت های هسته ای علیه یک کشور خاص به صورت حداکثری و غیر مشروع، بدون ضرورت و عدم رعایت تناسب می تواند نقض تعهدات عام الشمول را به همراه داشته باشد که جزو ارزش های بنیادین نوع بشر است و عموماً نقض تعهدات عام الشمول نیز همانند دیگر تعهدات بین المللی موجب مسئولیت دولت نقض کننده خواهد شد. البته این مسئولیت دارای ویژگی های خاص خود خواهد بود. در بحث مسئولیت برای نقض تعهدات عام الشمول، موضوعی که بایستی مورد توجه قرار گیرد، تفکیک میان دولت زیان دیده و دولت های با منافع حقوقی یا دولت های ثالث است (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵). و وفق بند ۲ ماده ۴۸ پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱، دولت های ثالث همانند دولت زیان دیده از نقض تعهد عام الشمول، استحقاق درخواست توقف عمل متخلفانه را دارند و در صورت لزوم بر اساس اوضاع و احوال خاص قضیه، می توانند به اخذ اطمینان و ضمانت عدم تکرار مطابق ماده ۳۰ پیش نویس مواد ۲۰۰۲ مبادرت ورزند (Bird, 2011: 882). بر همین مبنا، طبق رویه دیوان بین المللی دادگستری<sup>۱</sup> دولت های غیر ناقض

<sup>۱</sup>. دیوان در قضیه نامیبیا بر این نظر بود که تمامی دولت ها باید با تسلط و حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا مخالفت نمایند، چرا که وضعیت غیر قانونی موجود ناشی از نقض تعهدی عام الشمول است.

نیز متعهدند وضعیت غیر قانونی ناشی از نقض تعهد عام الشمول را شناسایی نکرده، به حفظ این وضعیت کمک نکنند و اطمینان حاصل نمایند که هرگونه مانع بر سر راه اعمال تعهدات مزبور از بین رفته است. لذا برای حصول این اطمینان باید همه دولت‌ها همکاری لازم را بنمایند. افزون بر این، دولت هدف تحریم می‌تواند از طریق سازوکارهای مختلف برای مقابله با دولت واضع تحریم و آثار سوء آن مبادرت نماید. بر این اساس، دولت هدف می‌تواند طبق ماده ۵۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، به اقدام متقابل با رعایت شرایط همچون عدم تهدید یا توسل به زور و تشابه و تناسب موضوعی متوسل گردد. البته توسل به این اقدام صرفاً توسط دولتی که به طور مستقیم صدمه دیده است امکان‌پذیر است. با این حال، کاربرد این ابزار دارای برخی مزایا و معایب هم‌است و در عمل مشاهده می‌شود که نقض حقوق بشر به عنوان بهانه‌ای در دست دولت‌های قدرتمند برای تلافی جویی و رفع خصومت‌های پیشین خود با دولت هدف مورد استفاده قرار گرفته است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۰). یکی دیگر از ابزارهای مقابله با تحریم‌ها می‌تواند ایجاد زیرساخت‌های لازم برای طرح دعوی در مراجع قضایی داخلی باشد که لازمه استفاده از این روش این است که بدواً ظرفیت‌های لازم در قوانین و مقررات داخلی کشور هدف تحریم پیش‌بینی شود (وکیل، تحصیلی، ۱۳۹۲: ۴۵۰). مراجعه به مراجع بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری نیز می‌تواند ابزار دیگری برای طرح دعوی دو‌زمینه اعمال تحریم‌های غیر مشروع باشد. بر اساس بند ۱ ماده ۳۵ اساسنامه دیوان مزبور، دولت‌های امضاکننده اساسنامه حق طرح دعوی در دیوان را دارند کما اینکه دولت ایران نیز تاکنون به همین استناد در پرونده‌های سقوط پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر، حمله به سکوها، نفتی، ضبط دارایی‌های ایران و خروج آمریکا از برجام علیه دولت آمریکا در دیوان طرح دعوا نموده است (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۶).

راهکار دیگر در این زمینه، طرح دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی است که در صورت ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم و یا سلامتی روحی و جسمی که جزو مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد و به واسطه اعمال تحریم‌های یکجانبه با نقض حق توسعه اقتصادی رخ دهد، بر مبنای بند ۲ ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قابلیت طرح در دیوان مزبور را دارد و برای

---

در قضیه دیوار حائل نیز دیوان با طرح ماده ۴۱ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اظهار داشته است که کلیه دولت‌ها موظفند احداث دیوار حائل را که ناقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین به عنوان یک تعهد عام الشمول است را به رسمیت نشناخته و هیچگونه کمک و مساعدتی به حفظ وضعیت ایجاد شده ننمایند.

The Legal Consequence for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia,  
Op.cit, para. 126.

جمهوری اسلامی ایران نیز اگر چه صلاحیت دیوان را نپذیرفته است ولی به موجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه امکان طرح دعوی برای کشورهایی که عضو اساسنامه دیوان نیستند نیز به صورت موردی وجود دارد. افزون بر این، استفاده از ظرفیت های بین المللی از جمله کمیسیون حقوق بین الملل، پیمان های دو یا چند جانبه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی به صورت غیر مستقیم برای کشورهای غیر عضو این سازمان، و رجوع به برخی سازمان های تخصصی مثل سازمان بهداشت جهانی و.. نیز از جمله حقوقی هستند که برای دولت هدف تحریم در کنار تعهداتی که در این زمینه دارند، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

### نتیجه گیری

در شرایط فعلی، توسعه یکی از نیازها و اولویت های اساسی دولت ها در عرصه ملی و بین المللی است. این مفهوم در گذر زمان در بستر تحولات بین المللی تکامل یافته و به دو شکل «حق توسعه»، به عنوان حق دولت های در حال توسعه در قبال دولت های توسعه یافته، و «حق بر توسعه»، به عنوان حق افراد انسانی در قبال دولت ها مطرح شده است. بر همین مبنا هم یکی از پیش شرط های تحقق توسعه در بعد اقتصادی، عامل دسترسی به انرژی از جمله انرژی هسته ای و بهره مندی از آن است. دولت های در حال توسعه با تکیه بر مفهوم توسعه اقتصادی به مثابه حقی دولتی در قبال دولت های دیگر که بر اساس آن هر کشوری می تواند مستقلاً سیاست های توسعه خود را اتخاذ نماید، به سوی استفاده فزاینده از منابع انرژی خصوصاً انرژی صلح آمیز هسته ای حرکت می کنند. اما چالش هایی هم در این زمینه وجود دارد که موانع جلدی را برای توسعه اقتصادی این کشورها به وجود آورده است. سوای موانع و چالش های راهبردی و ساختاری در عرصه داخلی و بین المللی، موانع و چالش های حقوقی و سیاسی نیز فراروی حق توسعه اقتصادی دولت ها وجود دارد. از فقدان قواعد و مقررات حقوقی الزام آور و عدم ضمانت اجرا در زمینه حق توسعه اقتصادی گرفته تا اختلاف دیدگاه های کشورهای توسعه یافته (شمال) و در حال توسعه (جنوب) نسبت به این حق. در این میان مهم ترین موانع، تحریم های اقتصادی است که با اهداف سیاسی و با محوریت برنامه هسته ای صورت می گیرد؛ اگرچه تحریم های اقتصادی ناشی از فعالیت های هسته ای با هدف بی ثبات کردن و یا تغییر رفتار یک نظام سیاسی در زمینه اقدامات هسته ای طراحی و اجرا می شود، اما معمولاً این تحریم ها، از یک طرف، توسعه و اقتصاد یک کشور را که با زندگی و معاش روز مره مردم آن کشور سر و کار دارد، تحت تاثیر

قرار می‌دهد و آثار این نوع تحریم‌ها مسقیماً در زندگی انسان‌ها اثرگذار خواهد بود و به حقوق اساسی و بنیادین بشر همچون حق حیات، آسیب جدی وارد می‌کند و از طرف دیگر تحریم‌های وضع شده بر صنعت و فناوری هسته‌ای کشورها از جمله در ایران و تحریم‌های کنترلی با هدف متوقف ساختن برنامه هسته‌ای و تضعیف جمهوری اسلامی ایران با توجه به گستردگی و فراسرزمینی بودن این نوع تحریم‌ها با آثار جمعی آن، منجر به نقض حق توسعه اقتصادی دولت‌ها از جمله دولت ایران و در واقع نقض حق تعیین آزادانه سرنوشت اقتصادی ملت ایران شده است. و این امر با اصل تعامل و همکاری دولت‌ها در سطح بین‌المللی که از اصول و اهداف مهم سازمان ملل متحد است، تضاد دارد و برخلاف قواعد و ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی است؛ ارزش‌های بنیادین و حقوق بشری که به عنوان تعهدات عام‌الشمول برای دولت‌ها هم به صورت عرفی و هم در قالب پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مقرر شده است. لذا عملکرد یک جانبه دولت‌های عامل تحریم از جمله آمریکا، نه تنها ناقض تعهد عام‌الشمول این کشور در قبال ایران به عنوان دولت زیان‌دیده مستقیم است، بلکه در تباین و تعارض با منافع حقوقی دیگر اعضای جامعه بین‌المللی خصوصاً دولت‌های ثالث نیز است. به نظر می‌رسد که در این رابطه و جهت مقابله با چالش‌های موجود از جمله فشارها و تحریم‌های اعمالی، افزون بر اتخاذ موضع حقوقی جدی اعضای جامعه بین‌المللی در قبال اقدامات غیرقانونی و خارج از استانداردهای حقوقی بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر کشورها و طرح مسئولیت بین‌المللی و پی‌گیری آن در مجامع بین‌المللی هم راستا و منطبق با حقوق بین‌الملل توسط کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و نیز اتخاذ راهبرد مقاومت و اتکال به ظرفیت و امکانات داخلی و منطقه‌ای، برای تحکیم حق توسعه اقتصادی دولت‌ها در قبال یکدیگر و توسعه و انتقال فناوری هسته‌ای، حرکت به سوی تدوین و تصویب اسناد الزام‌آور بین‌المللی، با استفاده از ائتلاف‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی متشکل از کشورهای در حال توسعه، یا جنبش‌های بین‌المللی مانند جنبش عدم تعهد، ضروری است.

## منابع

- تی‌یا، وانگ (۱۳۶۶). «جهان سوم و حقوق بین‌الملل»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره هفتم، شماره ۸.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۲). تحریم اقتصادی یکجانبه و اصل حاکمیت دولت‌ها، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، (مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)، تهران، انتشارات شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- حبیبی، همایون و اقبالی، کیوان (۱۳۹۹). «حق بر توسعه و تأثیر آن بر تحقق بعد داخلی حق بر تعیین سرنوشت»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه، شماره ۲.
- حقیقی، محمدرضا؛ براتی، فرج‌اله و حسینی، سید حسام‌الدین (۱۴۰۱). «تحقق حق بر توسعه در پرتو اقتصاد مقاومتی از منظر فقه و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره پانزدهم، شماره ۵۵.
- خواجهی، غلامرضا (۱۳۹۱). «تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه»، فصلنامه دانش حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال نوزدهم، شماره ۲.
- زایدل، هومن فلدرن، آیگناتس (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق: سید قاسم زمانی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- زنگی اهرمی، عهدیه؛ عزیزی مرادپور و حمید، باقرزاده، احد (۱۴۰۰). «آثار تحریم‌های یکجانبه بر رعایت حقوق بشر با تأکید بر تحریم‌های ایالات متحده امریکا علیه ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۴۳.
- زمانی، سید قاسم، زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۲). «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷.
- زمانی، سیدقاسم، غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۹۶). «تحریم‌ها به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- راعی، مسعود (۱۳۸۰). «جایگاه حق توسعه در حقوق بشر معاصر»، فصلنامه معرفت، شماره ۴۹.
- رجبی، محمد (۱۴۰۱). «بررسی تحریم‌های بین‌المللی و موازین حقوق بشر (با تأکید بر تحریم‌های چندجانبه علیه ایران)»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱.
- شایگان، فریده و دیگران (۱۳۸۲). تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: نشر گرایش.

شریفی، محسن (۱۳۸۷). «دیوان بین‌المللی دادگستری و تعهدات Erga Omnes»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۴.

سادات میدانی، سید حسین و خلیلی طریقه، مهدی (۱۳۹۷). بایسته‌های حقوقی نظام تحریم ایالات متحده؛ تحریم‌های ایران، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). «حق توسعه به مثابه حقی بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲.

شاحیدر، عبدالکریم و دشتی، فرزانه (۱۴۰۱). «برآورد تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق بشر: موردکاوی حق بر توسعه»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره دوم (پیاپی ۲۵).

ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۶). «تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران»، مجله سیاست خارجی، شماره ۴۱.

قاسمی، غلامعلی و مویدیان، امینه (۱۳۹۹). «تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۷.

قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵). «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۳.

عابدینی، عبدالله (۱۳۹۴). ایران و چالش‌های حقوق بین‌المللی معاصر، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

عبداللهی، محسن و سایر (۱۳۹۴). «کارآمدی اقدامات متقابل به عنوان ضمانت اجرای حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و دوم، شماره ۵۳.

مافی، همایون (۱۳۸۵). «تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.

مزروعی، محمدمهدی (۱۴۰۰). «تحریم‌ها و اثرات آن بر اقتصاد ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره خبر: ۳۸۲۸۴۶۵، تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۰/۵، قابل دسترسی در: <https://donya-e->

<https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8>

منتظری مقدم، رضا؛ کوچ نژاد، عباس و رامین‌نیا، مژگان (۱۳۹۸). «ابعاد حقوقی انتقال فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳۲.

منصوریان، ناصرعلی (۱۳۹۲). اصل بین‌المللی عدم مداخله و تخلف ایالات متحده آمریکا از موافقتنامه‌های الجزایر، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)، تهران: انتشارات شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی. مولود، احمد (۱۳۸۵). «کاربرد گسترده دانش هسته‌ای: نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۶.

موسوی، سید فضل‌الله و خداپرست، ناصر (۱۳۹۲). «مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۶۴.

نورانی، سید امیر سینا (۱۴۰۰). «واکاوی تحریم‌های یکجانبه اقتصادی در حقوق بین‌الملل: مطالعه موردی ایالات متحده»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال هیجدهم، شماره ۳ (۷۱). وکیل، امیر ساعد و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۲). ایران و تحریم‌های بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

یاری، احسان؛ رضایی، دانش و غلامی، محمدحسن (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۵۸)»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۹.

- Aliou, Maiga (2007). Energy and Sustainable Development in Africa, Organization for Economic Co-Operation and Development.
- Apergis, Nicholas; Coorayb, Arusha (2019). How Do Human Rights Violations Affect Poverty and Income Distinction? International Economics, 13 November, PP. 1-31.
- Barcelona Traction Case, Dissenting Opinion of Riphagen, ICJ Reports-1970 para 8.
- Bird, Annie (2011). Third State Responsibility for Human Rights Violations, The European Journal of International Law, Vol, 21 no. 4EJIL, 2011, all rights reserved.
- Charter of Economic Rights and Duties of States 1974.
- Crawford, James (2000). Responsibility to the International Community as a whol. Available in: [http://lcil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo\(f\).doc](http://lcil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo(f).doc)
- Declaration on the Establishment of a New International Economic Order (1974).
- Declaration on the Right to Development (1986).
- Fretland Oygarden, Kristoffer (2017). The Effect of Sanctions on Human Rights: Assesing the Impact of Economic Sanctions on Human Rights Violation in



Targeted Countries, Department of Political Science Faculty of Social Sciences University of Oslo.

Gutmann, Jerg et al (2018). Economic Sanction and Human Rights: Quantifying the Legal Proportionality Principle, Institute of Law and Economics (ILE) Working Paper Series, No. 12, Retrieved September 2, 2021, from: [www.econstor.eu/bitstream/10419/178615/1/ile-wp-2018-12.pdf](http://www.econstor.eu/bitstream/10419/178615/1/ile-wp-2018-12.pdf).

<https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=245&LangID=E>

ILC, Draft Article on State Responsibility with Commentary, 2001, art. 48.

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966

International Sanction Violating Right to Development. August 13, 2012.

Available at: [www.fa.odvv.org](http://www.fa.odvv.org). Accessed January 20, 2017.

Ngosso, Thierry (2013). The Right to Development of Developing Countries: An Argument Against Environmental Protection, Catholic University of Louvain, Public Reason 5 (2): 3-20.

Oduwole, Olajumoke O (2014). International Law and The Right to Development: A Pragmatic Approach for Africa, International Institute of Social Studies, The Hague, The Netherlands.

Pelzer, Norbert (2008). Nuclear Research, EPIL, Vol.9, 231-258.

RES/34/13, Human Rights and Unilateral Coercive Measure, 2017.

Stephan, Marks (2000). The Human Rights to Development: Between and Reality, Harvard Human Rights Journal, Vol. 17, No. 2, 138-168. Available at: <http://idepi.hsph.harvard.edu/Facult/Stephan-Marks/Files/spm-the-human-right-development.pdf>.

Subedi, S.P (2006). International Economic Law, Section A: Evolution and Principles of International Economic Law, revised version.

Terry, Patrick C. R (2020). Enforcing U.S. Foreign Policy by Imposing Unilateral Secondary Sanctions: Is Might in Public International Law?, Washington International Law Journal, Vol. 30, No. 1, 1-27.

Third World Network (TWN), Climate talks close with Developing Countries calling for Strong pre 2020 action, Marraketch 22 November 2016.

Udombana, Nsongurua J (2000). The Third Word and the Right to Development: Agenda for the Next Millennium, Human Rights Quarterly, Vol. 22, No. 3, pp. 753-787, John Hopkins University Press, 762, Available at: <http://ssrn.com/abstract=1896196>.

UNCTAD MENA Ntional Awareness Raising Seminar on Consumer Protection Law 27 July 2017, Ammuna, Jordan.

Unilateral Economic Measures as a Means of Political and Economic Coercion against Developing Countries, 23 December 2003.

US Sanction Violate Human Rights and International Code of Conduct, UN Expert says (6 May 2019).

- Van Aaken, A (2019). Introduction to the Symposium on Unilateral Targeted Sanctions. *AJIL Unbound*, 113, 130-134. Doi: 10.1017/aju.2019.21
- Zemanek, Karl (2000). New Trend in the Inforcement of Erga Omnes Obligations, *Max Planck Yearbook of the United Nation Law*, Vol.4, 653-687.

